



داستان ناگفته عراق

داستان ناگفته عراق
نویسنده: اسکات ریتر
مترجم: علیرضا عیاری
انتشارات اطلاعات
چاپ اول ۱۳۸۶

اسکات ریتر (Scott Ritter) افسر نیروی دریایی امریکاست که برای هفت سال (۱۹۹۸-۱۹۹۱) بازرس تسلیحاتی سازمان ملل در برنامه خلع سلاح عراق مشهور به آنسکام فعالیت می کرده است.

او مسئول عملیات بازرسی‌های حساس کمیسیون ویژه سازمان ملل بوده و به دلیل شرایط شغلی خود از اطلاعات محرمانه عملیات صورت گرفته در عراق آگاه بوده است.

او در ۲۱ فصل این کتاب و ۳۷۶ صفحه اطلاعات ناگفته در مورد عراق را برای نخستین بار افشا می کند و به طور مستند و با تاریخ دقیق نشان می دهد که چگونه امریکا از به سرانجام رساندن بازرسی‌های سازمان ملل در مورد عراق جلوگیری می کرد. نویسنده با وجود ادعای کذب آشکار بوش و رایس که حمله به عراق را «قصور اطلاعاتی» اعلام می کنند و در عین حال از سرنگونی صدام دفاع می نمایند. در این کتاب همچون دو گزارش مفصل ۸۰۰ صفحه‌ای کمیته اطلاعاتی سنای امریکا روشن می سازد که حمله به عراق و ساقط کردن صدام تصمیمی پیش از جست و جوی جرم بوده است. او بارها در این کتاب می نویسد که هر وقت کار به مرحله نهایی نزدیک می شد که صدام سلاح



کشتار جمعی ندارد، امریکایی‌ها قواعد بازی را به هم می زدند.

نکاتی از نوشته‌های آقای ریتر را در اینجا می آوریم:

۱- در ماه می ۱۹۹۱ یک دانشمند ارشد در برنامه هسته‌ای عراق به غرب فرار کرد. سازمان سیا در مناطق شمالی عراق در پوشش کمک‌های انسان دوستانه او را به دام انداخت. فرد نامبرده اطلاعاتی در اختیار داشت که تأثیر مستقیمی بر فعالیت‌های آنسکام می گذاشت، اما سیا اجازه نداشت این اطلاعات را در اختیار نهادهای غیر امریکایی قرار دهد.

۲- اعضای ارشد آنسکام حس می کردند که میزان حضور مأموران اطلاعاتی امریکا در بدنه آنسکام بیش از حد پررنگ است و به اعتبار آن لطمه می زند.

۳- در سفارت امریکا در منامه بحرین، امریکا سازمانی به نام گیت وی (Gate Way)



محمدحسین رفیعی

ایجاد کرده بود که کارمندان آنسکام پیش و پس از رفتن به عراق در آنجا توجیه و تخلیه اطلاعاتی می شدند، به طوری که روند بازرسی توسط سازمان اطلاعات و جاسوسی امریکا طراحی می شد. امریکایی‌ها بدون ارائه سند اعلام می کردند که صدام تخطی می کند.

۴- متن قطعنامه شورای امنیت، اعمال تحریم‌ها را تا زمان خلع سلاح دولت عراق تصویب کرده بود در حالی که امریکا آن را تا سرنگونی صدام می دانست.

۵- صدام حسین به طور پنهانی و بدون اطلاع و به صورت یکجانبه ذخایر سلاح‌های کشتار جمعی خود را در سال ۱۹۹۱ منهدم ساخت.

۶- دولت بوش از هر موقعیتی استفاده می کرد و صدام را تحت فشار قرار می داد تا ناآرامی‌های داخلی را تشدید و صدام را سرنگون سازد. حتی یکبار مسئول سازمان ملل به دبیرکل هشدار داد که «موضع امریکا چنین است که تا زمانی که صدام بر سر قدرت است تحریم‌ها لغو نشود، بنابراین دیگر عراقی‌ها تشویق به همکاری با ما نمی شوند.»

۷- در حالی که من و همکارانم حقیقت را کشف کرده بودیم که صدام از موشک‌های بالستیک خلع سلاح شده بود، رئیس سازمان سیا در مجلس سنای امریکا شهادت داد که عراق دارای ۲۰۰ موشک اسکاد در انبارهای خود است و یکبار هم مسئول سیا به ما گفت که «عراقی‌ها آنقدر بر اقدامات بازرسان کنترل داشته‌اند که یافته‌های شما چندان ارزشی ندارد.»

۹- حسین کمال، داماد صدام که به اردن

فشار کرده بود به مأموران سیا به صراحت گفت که «دیگر برنامه‌ای در کار نیست»، ولی هیچ کس در سیا این را نمی‌خواست باور کند و در پایان اعضای سیا با داد و هوار ارتباط خود را با او قطع کرده و او را تنها و افسرده رها کردند. حسین کمال به بازرسان گفت: «تمامی تسلیحات - مانند بیولوژیکی، شیمیایی، موشکی و هسته‌ای - همه نابود شده‌اند. شما در این مورد نقش کلیدی در عراق دارید. نباید خودتان را دست کم بگیرید. شما در عراق نقش مهمی دارید.»

۹- درحالی که آنسکام و سازمان ملل متحد بر خلع سلاح عراق متمرکز شده بود، واشنگتن به دنبال خلاصی از دست صدام بود. کلینتون نه تنها روش سیاست تهدید بر پایه تحریم را از دولت بوش (بدر) گرفته بود، بلکه یک بهانه و فرصت مخفی که در اکتبر ۱۹۹۱ تصویب شده بود و به سازمان سیا اجازه می‌داد به ایجاد شرایطی در عراق جهت تسهیل برکناری صدام حسین دست بزنند را نیز به ارث برده بود.

۱۰- وقتی من در حال تهیه برنامه بازرسی جهت استفاده از نظارت بر اطلاعات پیش رویم بودم، سیا دور از چشم من از دسترسی من به گارد ویژه جمهوری در بغداد بهره می‌گرفت تا طرح کودتای خود را که بر پایه اطلاعات اشتباه یک عراقی تدوین شده بود، عمل کند.

۱۱- ایاد علاوی، یک مقام سابق بعث، که از سوی عراق در اواخر دهه ۱۹۷۰ مأمور بود که فعالیت‌های دانشجویان عراقی در لندن را تحت نظارت داشته باشد، در سال ۱۹۷۸ به سرویس اطلاعات مخفی انگلیس (MI6) پیوسته بود و به‌عنوان یک مأمور دوجانبه عمل می‌کرد. او نیز به طرح کودتا پیوسته بود، ولی

**اطلاعات همیشه در خدمت
منافع ملی یک کشور
است. اما وقتی اطلاعات
در راستای حمایت از
برنامه‌های سیاستمداران مورد
سوءاستفاده قرار می‌گیرد،
منافع ملی اهمیت خود را
از دست می‌دهد و یکی از
دلایل آن هم بی‌اعتبار شدن
اطلاعات کشور است**

مأموران اطلاعاتی صدام در کودتاچیان نفوذ کرده بودند و همگی را از میان بردند.

۱۲- در سال ۱۹۹۶، اسرائیل خبر وجود شبکه فعالی از مأموران خود در بغداد را داد و به من اجازه داد از طریق خود اسرائیلی‌ها پرسش‌هایم را از عمال آنها پرسم. همکاری اسرائیل در مورد تجزیه و تحلیل عکس‌های هوایی مؤید یافته‌های ما بود که سلاح کشتار جمعی در عراق وجود ندارد. امریکایی‌ها از ارتباط من با اسرائیلی‌ها عصبانی و در نهایت کار را ناتمام قطع کردند.

۱۳- از سال ۱۹۹۳ سیا با چلبی و کنگره ملی عراق همکاری می‌کرد. چلبی پناهندگان «خودساخته» به امریکا معرفی می‌کرد، ولی سیا دست او را خوانده بود و او را مورد خشم و غضب قرار داد.

۱۴- پایان بازرسی من (ژانویه تا آگوست ۱۹۹۸) هنگامی که مادلین آلبرایت مطلع شد که عراق و آنسکام رابطه بسیار خوبی را با یکدیگر برقرار کرده‌اند و بازرسان نیز در

عمل کار بازرسی را به اتمام رسانده‌اند، سخت برافروخت و خشمگین شد.

۱۵- اسرائیلی‌ها تحت فشار امریکا، از همکاری اطلاعاتی با پس کشیدند، مرا متهم کردند که مجبور به استعفا شوم و ارتش امریکا در وضعیت فوق‌العاده قرار گرفته بود و مطمئن بود که سرانجام راهی برای عملیات نظامی علیه عراق خواهد یافت. سرپرست جدید ما، باتلر اعتقاد داشت که: «حتی اگر در این بازرسی‌ها، مدرکی دال بر تخطی عراق پیدا نمی‌شد، آنسکام نباید خلع سلاح شدن عراق را اعلام می‌کرد.»

۱۶- جامعه اطلاعاتی می‌تواند خیلی ساده بگوید که کار اطلاعات، کاری پیچیده است و امکان اشتباه کردن همیشه در آن وجود دارد. به این ترتیب عذر موجهی برای سیاستمداران و رسانه‌های مطیع آنها فراهم می‌شود. امریکایی‌ها نمی‌خواستند ما ارزیابی قطعی از وضعیت تسلیحاتی عراق ارائه کنیم.

۱۷- در ژوئیه ۲۰۰۲، سرویس‌های اطلاعاتی امریکا و انگلیس به توافق رسیدند تا اطلاعات خود را حول سیاست‌شان تنظیم کنند، هرچند در مورد سیا به پیش از آن برمی‌گردد.

۱۸- در نگارش این کتاب، من تجارب شخصی خود را ثبت کردم. امیدوارم توانسته باشم تا حدی به درک بهتر رابطه ظریف سیاست، دیپلماسی و اطلاعات کمک کرده باشم. اطلاعات همیشه در خدمت منافع ملی یک کشور است. اما وقتی اطلاعات در راستای حمایت از برنامه‌های سیاستمداران مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد، منافع ملی اهمیت خود را از دست می‌دهد و یکی از دلایل آن هم بی‌اعتبار شدن اطلاعات کشور است.

خوانندگان نشریه چشم انداز ایران

جهت مطالعه جلسات توجیهی خاطرات لطف‌الله میثمی به سایت

www.meisami.com

مراجعه نمایید.